

# نفوذ معماری ایران در اروپا

دکتر غلامعلی همایون  
دانشیار دانشکده هنرهای زیبا

## مسئله ساختمانهای گنبددار با محور تقارن مرکزی در رنسانس ایتالیا و ارتباط آن با ایران<sup>(۱)</sup>

در مقابل ناو طولی که عنصری مسلط در کلیساهای دوره رنسانس ایتالیا است، مسئله ساختمانهای گنبددار با محور تقارن مرکزی یکی از معتبرترین پدیده‌های دوره رنسانس است که آنرا نمیتوان تنها از طریق پذیرفتن سنت‌های معماری باستانی اروپا تجزیه و تحلیل نمود.

این موضوع نباید بدون یک نفوذ غیر مستقیم ساختمانهای گنبددار با محور تقارن مرکزی ایران که خیلی قبل از رنسانس ایتالیا یعنی در اوائل قرن ۱۴ میلادی (مانند گنبد سلطانیه) باوج تکامل خود رسیده بود، امکان داشته باشد.

گنبد بمنزله یک کشف اجباری مناطق خشک به مبداء اصلی خود یعنی به جدۀ خانه‌های انسان قدیمی شرق برگشته و فرم جدید آن بعدها در معماری زمان ساسانیان تکامل می‌یابد.

گنبدهای ساسانیان بر روی نقشه‌های مربع قرار گرفته و معماران دوره ساسانی برای آنکه از مربع به دایره برسند (یعنی برای اینکه بتوانند بر روی چهار دیوار گنبد را برپا دارند) گوشوار را کشف نمودند.

ساختمان گنبد بر روی گوشوار (مانند کاخ ساسانی در سروستان - قرن چهارم میلادی) سرعت در ایران انتشار یافته و از همین قرن «مورد تقلید بین‌النهرین، آسیای صغیر و مصر واقع گردیده و از مراکز سوریه به روانا و بعدها به بیزانس منتقل گشته است»<sup>(۲)</sup>.

عنصر گوشوار سپس در اوائل قرون وسطی بمنزله یک ارمغان ایرانی راهی کشورهای اروپای آن زمان گردیده و

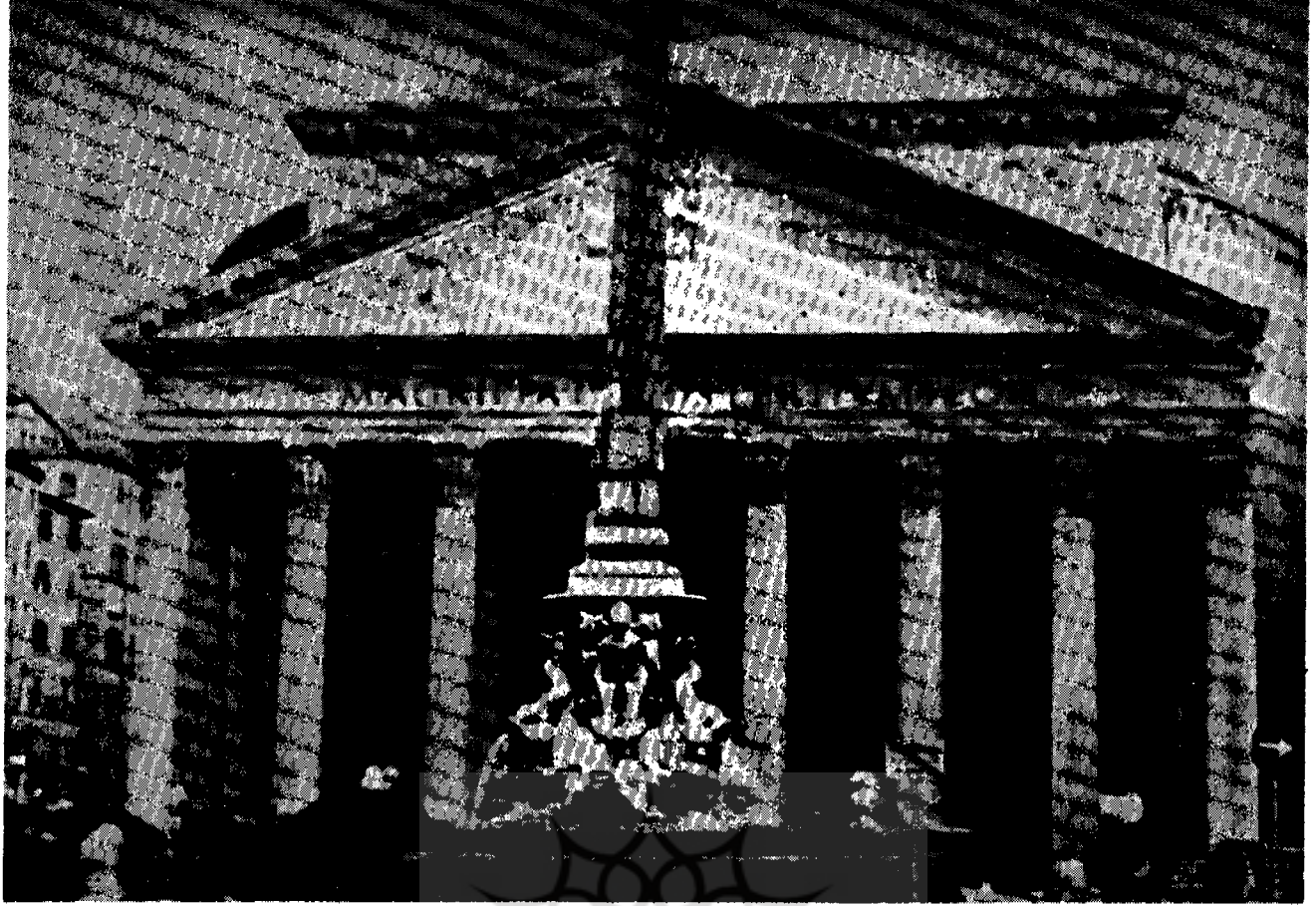
مورد استفاده معماران غرب نیز واقع شده است<sup>(۳)</sup>. اما در اینجا سخن بیشتر مربوط به ساختمانهای گنبددار با محور تقارن مرکزی است.

ما بخوبی میدانیم، که گنبدهای قدیمی رومی چون پانتئون (تصویر ۱) که بر روی کمر بند بلندی برپا گردیده فقط بمنزله یک قطعه کروی کوچک میتواند در مقابل گنبدهای عظیم پارابولی (شلجمی کشیده) ساسانی چون سروستان (تصویر ۲) قد علم نماید. جان کلام و نقطه اتکاء نویسنده نیز در همین مطلب نهفته است.

در اوائل قرن پانزدهم در ساختمان گنبدهای متعدد فیلیپو برنلسکی یکی از اهم معماران دوره رنسانس ایتالیا عنصری پدید می‌آید که بخصوص با بناهای گنبددار ملوکیان مصر که خود اصالت ساسانی دارد، قابل مقایسه است<sup>(۴)</sup>.

در این باره سوپودا مینویسد:  
«گنبدهایی که استخوان‌بندی خرپزه‌ای شکل (شلجمی) و موج دارند، مانند آنهایی که برای اولین بار در تاریخ معماری جدید (مقصود رنسانس است) بوسیله برنلسکی بکار برده شده است (تصویر ۳)، در معماری اسلامی قرون وسطی گسترش فراوانی داشته»<sup>(۵)</sup> و بخصوص جالب توجه و گیرا است<sup>(۶)</sup>.

اصولاً گنبدهای رنسانس ایتالیا بر روی یک نقشه مربع بنا گردیده و گاهی با کمک گوشوار بصورت یک عنصر شلجمی شکل درآمده که درست در جهت عکس نمونه‌های ساختمانی رومی (از نظر عمق گنبد) بوده و کاملاً بطریقه گنبدهای ایرانی ساخته شده‌اند. این مسئله محتاج تحقیق و جستجوی عمیق و دامنه‌دار است من فقط در اینجا میتوانم



رم - پانته کون - ۱۳۵ - ۱۴۰ میلادی

در اینکه ترکان سلجوقی و پس از آنها ترکان عثمانی فرم ساختمانی و گنبد‌های دارای محور تقارن مرکزی را از ایران با خود به آسیای صغیر برده‌اند، هیچگونه شکی نمیتواند

۱ - محتوای این مقاله را قبلاً بزبان آلمانی تحریر نموده‌ام. این مقاله ترجمه و اقتباسی است از متن آلمانی که موضوع آن کاملاً اصالت خود را حفظ کرده است.

۲ - م - ش - به - ف - م - شما ۵ ص ۲۹۰

۳ - م - ش - به - ف - م - شما ۲ ص ۴۶

۴ - م - ش - به - م - شما ۱۲ ص ۳۰

۵ - مراجعه شود به ملاحظات شماره ۳

۶ - در معماری فیلیپو برونلسکی مواردی پیش می‌آید که حاکی از تماس بیشتر معماری ایران و اروپا است برای مثال میتوان نقشه عبادتگاه پاسی در کنسار سانتا کروچه در فلورانس ذکر نمود که تا اندازه‌ای با نمونه‌های ایرانی قابل مقایسه است همچنین بکار بردن کاشی‌های رنگی لعابی در کارهای برونلسکی را باید در زمینه ارتباط با ایران جستجو کرد.

م - ش - به - ف - م - شما ۱۲ ص ۳۱

۷ - م - ش - به - ف - م - شما ۴ ص ۲۲۸

بطور خلاصه اظهار نمایم که در هر حال ساختمانهای گنبددار با محور تقارن مرکزی نزدیک به دو قرن در ایران - گذشته از دوره ساسانیان - زودتر سیر تکاملی خود را طی کرده است تا در ایتالیا و این موضوع را بدین نحو توجیه مینمایم که در جهت عکس مساجدی که دارای شبستان وسیع ستون-داری بودند (بدانها نام مسجد با نقشه «عربی» بخشیده‌اند) و از این جهت در آنها فضا دارای چندان نفوذی نبوده و گم شده بنظر میرسد نوع کاملاً ایرانی مسجد بوجود می‌آید که ابتدا همان حیاط روبازش خود يك فضای بانفوذ تقریباً بسته‌ای را (بوسیله چهار ایوان اطراف) تشکیل داده و علاوه بر آن ساختمان گنبد بر روی شبستانش فضای واحد یکدست و مؤثری را دربر میگیرد. در همین دوره انتقالی نوع «مسجد مدرسه» است که «تغییر قطعی در سیر تکاملی تاریخی گنبد اتفاق می‌افتد»<sup>(۷)</sup> و البته بناهای یادبود بعدها گوی سبقت را در وجود آوردن فضاهای واحد و مؤثر با محور تقارن مرکزی از بناهای مذهبی میربایند.

وجود داشته باشد<sup>(۸)</sup>. از طرفی میتوان همچنین فرض نمود که این نوع افکار ساختمانی از آسیای صغیر و یا اینکه مستقیماً از ایران به ایتالیا منتقل گردیده است. این فرضیه هنگامی بیشتر تأکید میگردد که ما روابط دو کشور ایران و ایتالیا را از نظر تجارتي و بخصوص سیاسی - تبادل سفرا و فرستاده‌ها و اتحاد بر ضد عثمانیها - که در کتاب «اسناد مصوراروپائیان از ایران» نویسنده این مقاله مفصلاً در آن باره سخن رفته است<sup>(۹)</sup>، مورد نظر قرار دهیم.

برای اثبات بیشتر فرضیه فوق به نوشتجات خوداروپائیان مراجعه میکنم.

هینرش گلوک یکی از بهترین علمای تاریخ هنر اروپا در مقاله‌ای موقعیت هنری اروپای اواخر قرون وسطی را از نظر جغرافیائی تشریح کرده و نقش جالب توجه نفوذ شرق را در فرهنگ قرون وسطی بمنزله یکی از شرایط اصلی بوجود آمدن رنسانس دانسته است.

وی قبل از این مقاله در نوشته دیگری مسئله اساسی پدیدار شدن افکار مرکزیت در بناهای رنسانس را تجزیه و تحلیل نموده و مینویسد که این مسئله با سنت‌های اروپائی مطابقت داشته و بوسیله آنها روشن گردد، زیرا که شرایط اصلی برای بوجود آمدن آن در ایتالیا موجود نبوده است. هینرش گلوک ادامه میدهد که ایتالیا در سرتاسر قرون وسطی از جنوب (سیسیل)، از غرب (اسپانیا) و از شرق (بیزانس) - بطوریکه تاریخ فرهنگی آن اثبات میدارد - بوسیله فرهنگ شرقی محاصره گردیده بود و برای اثبات نظریات خود مطالب دیگری را اضافه نموده و مینویسد «سرتاسر ایتالیا در قرن ۱۵ مملو از یونانیها گردیده بود، و همین یونانیها بودند که اساس اومانیسم را سازمان داده و بوسیله ترکها نیز يك قدرت مرکزیتی (سیاسی) در استانبول بوجود آمده که اجرای ایده‌های بزرگی را امکان پذیر کرده بود...»<sup>(۱۰)</sup> و بالاخره هینرش گلوک از جمیع این گفتار و آوردن مثال‌های متعدد باین نتیجه میرسد که برای حل مسئله بوجود آمدن ساختمان‌های گنبددار با محور تقارن مرکزی باید به شرق مراجعه کرد<sup>(۱۱)</sup>.

همانطوریکه فوقاً ذکر گردید، ابتدا سلجوقیان و سپس فاتحین کنستانتینوپل یعنی عثمانیها، سنت‌های معماری تکامل یافته‌ای را که در ایران ریشه دوانیده بود با خود با آسیای صغیر برده و در آنجا «کوشش شدیدی در جهت وسعت دادن و متحد نمودن فضای داخلی»<sup>(۱۲)</sup> بمنصه ظهور رسانیدند.

مقصود از این سنت‌ها همانا دوران انتقالی از نقشه طرح «عربی» به مساجد چهارایوانی است. البته این را نیز باید در نظر داشت که ساختمان‌های

گنبددار با محور تقارن مرکزی سیر تکاملی خود را در ایران در دوره ساسانیان گذرانده بود و گنبد‌های اسلامی همانطوریکه اشاره گردید بر اساس بناهای ساسانی ساخته شده است ولی معماری دوره رنسانس ایتالیا بیشتر از طریق معماری اسلامی با سنت‌های معماری ایران آشنا گردید.

در همان هنگامی که ساختمان‌های گنبددار با محور تقارن مرکزی روبه تکامل بود بناهایی در همین زمینه بوجود آمد، البته آنها برفراز سنت‌های کهن ایرانی، که دارای نقشه صلیبی شکل بود - صلیب عنصری نیست که از زمان مسیحیت بوجود آمده باشد بلکه پدیده‌ای کاملاً شرقی است که حتی بر روی سفال‌های ماقبل تاریخ ایران بکرات ملاحظه

سروستان، کاخ ساسانی، قرن چهارم میلادی



صلیبی شکل «در سال ۱۴۷۲ بوسیله آرشیتکت ایرانی کمال‌الدین» (۱۴) ساخته شده است. نقشه‌های این دو بنا

۸ - ژوزف اشترویگوفسکی مینویسد که :

«عثمانیها میتوانند خیلی آسان برای دومین بار یک نمونه اصیل کاملاً ایرانی (یعنی نمونه ساختمان گنبددار با محور تقارن مرکزی) را به غرب آورده باشند.»

م - ش - به - ف - م - ش - ما ۱۴

۹ - م - ش - به - ف - م - ش - ما ۷ ص ۲۰ - ۲۴

۱۰ - م - ش - به - ف - م - ش - ما ۶ ص ۱۵۹

۱۱ - هینریش گلوک تحت تأثیر ژوزف اشترویگوفسکی قرار گرفته و تر دیگری را نیز برای شرایط بوجود آمدن ساختمان گنبددار با محور تقارن مرکزی در ایتالیا مطرح میکند و مینویسد که «یک ضربه مستقیم از جانب ارمنستان» (م - ش - به - ف - م - ش - ما ۶ ص ۱۶۰) میتواند در این مورد قاطع باشد. از طرف دیگر بعضی از عناصر معماری امپراطوری روم شرقی (بیزانس) را هم در بوجود آمدن ساختمان گنبددار با محور تقارن مرکزی در ایتالیا مؤثر میدانند. در اینجا لازم است که نظر ژوزف اشترویگوفسکی را که هنگام جنگ بین الملل و مدتها بعد از آن رئیس انستیتو تاریخ هنر وین بوده و یکی از چهره‌های بزرگ و سرشناس تاریخ هنر اروپاست بطور خلاصه بیان نمایم.

ژوزف اشترویگوفسکی در مقاله خود تحت عنوان «لئوناردو - براماتته - وینیولا» مسئله ساختمانهای گنبددار با محور تقارن مرکزی را در فضای هنر مقایسه‌ای تحقیق و جستجو کرده (م - ش - به - ف - م - ش - ما ۱۰) و معتقد است که انتقال عناصر معماری ارمنستان از شرق به غرب در این زمینه نقش قاطعی را داشته است. وی این سؤال را مطرح میکند که :

«گنبد بر روی مربع از کجا سرچشمه گرفته است . . . ؟» (ص ۴) و پس از یک بحث و تجزیه و تحلیل طولانی کلیسای سن پیترو در واتیکان را با کلیسای آپوستل در آنی و ایل جزو ازیونیولا را با کلیسای طالش (که معلوم نیست فعلاً اثری از آن باقی مانده یا خیر ؟) مقایسه کرده و شباهت فراوانی مابین آنها یافته است. از آنها گذشته ژوزف اشترویگوفسکی طرحهای لئوناردو از ساختمانهای گنبددار با محور تقارن مرکزی را با اقامت فرضی وی در ارمنستان ارتباط داده (برای اولین بار ژان پل ریشتر در سال ۱۸۸۱ اظهار داشت که لئوناردو داوینچی به ارمنستان سفر کرده است) چنین نتیجه میگیرد : «حقایقی که از نظر گذشت یک خوشاوندی نزدیکی را مابین ساختمان کلیساهای قدیمی مسیحیت در ارمنستان و راهی که بوسیله لئوناردو ، براماتته و وینیولا در معماری ایتالیا هنگام ورود گنبد در طریقه تفکر ایتالیائیها بازگردید ، اثبات میدارد» (ص ۱۷) و ادامه میدهد که :

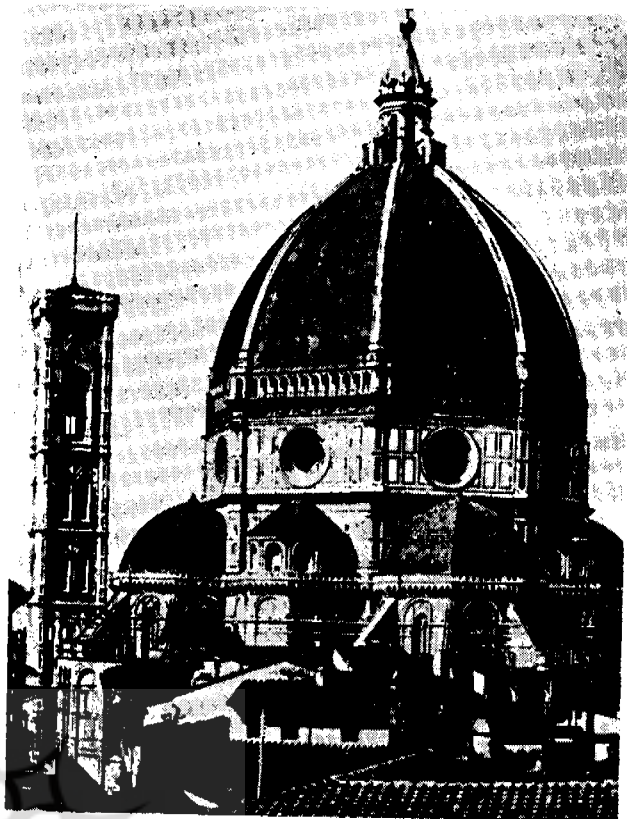
«و اما فرم های هنری خالص از فضا وتوده در زمینه ساختمان گنبد مدتها پیش یعنی در اوائل مسیحیت در شرق خیلی تمیز تر و نتیجه گیرنده تر تکامل یافته بودند تا از (معماری) لئوناردو ، براماتته و وینیولا».

م - ش - به - ف - م - ش - ما ۱۰ ص ۳۷

۱۲ - م - ش - به - ف - م - ش - ما ۶ ص ۱۶۱

۱۳ - م - ش - به - ف - م - ش - ما ۹ ص ۱۸۶

۱۴ - م - ش - به - ف - م - ش - ما ۹ ص ۱۸۶

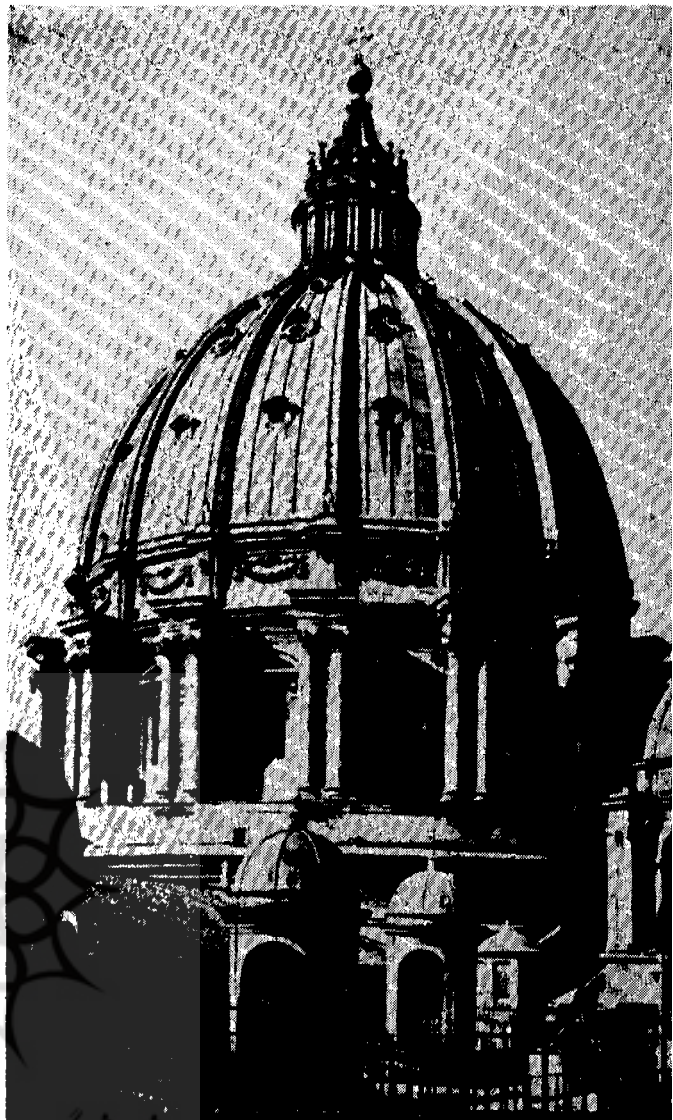


فلورانس - سانتاماریا دل فیوره «گنبد از برونلسکی»  
۳۴ - ۱۴۳۰ میلادی

گردیده است - این نقشه‌های صلیبی شکل نیز که همه ابعاد آن تقریباً مساوی و سیر تکاملی خود را در قرون ۱۴ و ۱۵ در ایران طی کرده است ، از طریق آسیای صغیر به دریای مدیترانه و حتی اسپانیا کشیده و سپس مقدار زیادی از نواحی اروپای جنوبی را شامل گردیده است .

ساختمان‌هایی که با نقشه صلیبی شکل در ایران بوجود آمد بخصوص در قرن ۱۴ تنها به ساختمان‌های مذهبی منحصر نشده بلکه شامل ساختمان‌های پروفان (ساختمان های غیر مذهبی) نیز میگردیده است . کلاویخو فرستاده دربار اسپانیا که مابین ۱۴۰۳ و ۱۴۶۰ در سمرقند زیست میکرده درباره باغ امیر تیمور مینویسد «در مرکز این باغ بر فراز نقشه صلیبی شکل یک قصر خیلی قشنگ ساخته شده بود» (۱۳) . و اما یکی از بهترین نمونه های بناهای مذهبی با نقشه صلیبی میتواند مسجد کبود در تبریز باشد که در وسط قرن ۱۵ میلادی برپا گردیده و از روی آن تقلید فراوان گردیده است . برای مثال میتوان بنای چلیبی کوشک را در استانبول نام برد که بر روی نقشه‌ای

کنیم که این نوع ساختمان‌ها یعنی آنهایی که روی نقشه صلیبی شکل بنا گردیده‌اند در ایران ریشه خیلی عمیق‌تری از قرون وسطی اسلامی دارند و از طرف دیگر اگر این موضوع را نیز در نظر بگیریم که نقشه میکل‌آنژلو که برای سن‌پیترو طرح و اجرا گردید با وجود تمام تغییراتش در اصل همان نقشه‌ای است که براماتته طرح کرده (در این مورد خود میکل‌آنژلو مینویسد «اگر کسی از براماتته فاصله بگیرد، از حقیقت خود را دور گردانیده است»<sup>(۱۵)</sup>) بدین نحو می‌توانیم این نتیجه را بگیریم که حتی اجرای قطعه ساختمان گنبددار با محور تقارن مرکزی بر روی نقشه صلیبی شکل کلیسای اصلی مسیحیت یعنی سن پیترو در رم (تصویر ۴) نتوانسته است بدون افکار ایرانی بمنصه ظهور برسد<sup>(۱۶)</sup>.



رم - واتیکان سن پیترو

۱۵ - م - ش - به - ف - م - شما ۱۳ ص ۴۶ .  
 ۱۶ - این چنین بناهای محور تقارن مرکزی با نقشه صلیبی شکل را می‌توان در اوائل قرن هفدهم بهتر تعقیب نمود برای مثال سن‌لور نزد بیانگو در میلان از آرشیستکت آلساندرو بخویی با چلینی کوشک از آرشیستکت ایرانی کمال‌الدین بهزاد در استانبول قابل مقایسه است .  
 در اینجا همچنین باید تذکر داد که :

گنبد‌های بسیاری در جنوب ایتالیا ساخته شده که شباهت زیادی به گنبد‌های سلجوقی شکل ایرانی دارند از جمله است کلیسای سن جوانی دلیبی در پالمو .

گنبد کلیسای نیکولای مقدس در باری در ایتالیا بوسیله خطوط باز شده سلجوقی شکل خود از داخل و بوسیله خطوط گسترده کمر بندش از خارج و همچنین بوسیله گوشواره‌هایش کاملاً در جهت گنبد‌های ایرانی گام برداشته است .

م - ش - به - ف - م - شما ۱ ص ۳۶۸ .  
 گنبد کاتدرال بیزا در ایتالیا نیز مملو از روح ایرانیت است .  
 محراب گنبد قرطبه در اسپانیا که بوسیله یک معمار ایرانی ساخته شده نیز ساختمانهای سنت بلزوکازال مون فراتو را تحت نفوذ قرار داده است .

م - ش - به - ف - م - شما ۸ ص ۲  
 گنبد‌های پیازی شکل نیز که مامن آن در روسیه است نیز در ارتباط با ساختمان گنبد‌های ایرانی قرار دارند . این نوع گنبد‌ها از طریق لهستان به اروپای مرکزی یعنی آلمان و اطریش کشانده شده است .

مقرنس کاری‌های بی‌نظیر ایران که بیشتر ترئین بوده و از تکثیر عناصر مختلف گوشواره‌ها (طاس و نیم‌طاس) بوجود آمده است نیز معماری اروپا را تحت تأثیر قرار داده است . برای مثال می‌توان سقف‌های بادبزی قرن ۱۴ انگلیس بخصوص کلیسای گلستر را بیان داشت .

م - ش - به - ف - م - شما ۱۲ - ص ۳۱  
 اختصارات

عکس از مؤلف = ع - ۱ - م  
 مراجعه شود به فهرست منابع شماره = م - ش - به - ف - م - شما  
 صفحه = ص